صهبای طهور(روزه داری در قاموس قرآن، حدیث، سیره)

پدید آورنده : نجمه کرمانی ، صفحه 2

اشاره

«روزه» یکی از برنامه های تکامل دهنده روح و جان آدمی است. خداوند متعال در این ماه، مسلمانان را ترغیب می کند تا قدم در راهی نهند که انتهای آن خشنودی خدا و بهشت براین او می باشد؛ راهی که بسیاری از عارفان و سالکان حقیقی آن را پیموده اند و در مقام رضوان او جای گرفته اند.

«روزه» یک موهبت الهی است که اثر آن در اصلاح اخلاق انسان وصف ناشدنی است. با دقیق شدن در سیره ائمه معصوم و اولیای الهی و همچنین ارزیابی حیات پر فروغ عرفا و عابدان حقیقی، به جایگاه والا و شایسته روزه و روزه داری پی می بریم.

ابعاد روزه

«روزه» از جمله اعمال عبادی است که هم جنبه فردی دارد، و هم جنبه اجتماعی. این ابعاد انسان را به تفکر وا می دارد که چگونه ساعاتی امساک از خوردن و آشامیدن، آثاری چنین ارزنده بجا می گذارد. این چند ساعت امساک بندگان را منضبط، حق شناس و مطیع می سازد و از سویی آنان را به تفکر وا می دارد تا به سختی زندگی فقرا پی ببرند و موقعیت مردم ضعیف جامعه را حس نمایند و از سوی دیگر درجه اخلاص خود را محک بزنند تا در طول یک ماه بتوانند نردبان تقربی بسازند که آراسته تر در محضر خدای سبحان حاضر شوند.

در ماه رمضان، زمین خشکیده وجود انسان که مدتها قطره آبی به خود ندیده است ملتمسانه چشم به آسمان می دوزد تا دانه ای را که در سینه پنهان دارد بارور سازد، و این گونه است که بنده از پلکان ترقی سبک بال بالا می رود و توشه ای برای نکیو سپری کردنِ یک سال خود، کسب می کند.

روزه داری در آیات

در قرآن کریم آیاتی چند در ضرورت روزه وجود دارد. خداوند متعال می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما واجب شد همان طوری که بر امتهای قبل از شما واجب گردید تا شما پرهیزگار شوید. نیز می فرماید: (فمن شهد منکم الشهر فلیصمه)؛ ماه رمضان، ماهی است که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شد... پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد.

روزه داری در روایات معصومان(علیهم السلام)

1. پاداش و دستاوردهای روزه داری

پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) درباره پاداش روزه می فرماید: «به امت من در ماه رمضان پنج چیز داده شده که به امت هیچ پیغمبری پیش از من داده نشده است؛ اول: هرگاه شب اول ماه رمضان فرا رسد خداوند به سوی آنان نظر می کند و کسی که خدا به او نظر کرده هرگز او را عذاب نمی کند. دوم: بوی بد دهان آنان که در نزد خدا شب زنده داری می کنند خوشبوتر از بوی مشک می شود. سوم: ملائکه برای ایشان در شب و روز استغفار می کنند. چهارم: خداوند بلند مرتبه به بهشت خویش امر می کند که برای بندگان استغفار نموده و خود را برای آنان تزیین کند. پس چه نزدیک است که سختی های دنیا آن ها را در خود فرو برد که به سوی بهشت من و کرامت من می روند. پنجم: هرگاه شب آخر فرا رسد خداوند همه آنان را می آمرزد. مردی گفت: یا رسول اللّه (آیا) در شب قدر (این گونه می شود؟) پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: (خیر) مگر ندیده ای که کارگران هرگاه کارشان تمام شود، مزد به آن ها می دهند؟».

هم چنین امام صادق(علیه السلام) فرمود: «روزه خواهشهای نفسانی را می میراند و موجب حیات دل و پاک اعضاء و جوارح است. تعمیر ظاهر و باطن و شکرگزاری بر نعمتهای الهی است. احسان نمودن به فقراء تضرع زیاد، خشوع و گریه و باعث فزونی التجاء به درگاه خداست که به سبب شکستن شهوات و سبکی حساب و دو چندان شدن حسنات می شود و در روزه آن قدر فواید هست که قابل شمارش نیست و آن چه بیان شد برای کسی که صاحب عقل و درایت و توفیق عمل است کفایت می کند».

2. برخی شرایط روزه داری

در روایات تأکید فراوانی بر ضرورت بعد تربیتی روزه و توصیه بر روزه داری راستین شده است، چنان که فرموده اند: «هرگاه کسی روزه گرفت باید گوش و چشم و موی او نیز روزه باشد و نباید روزی که روز هست با روزی که روزه نیست یکسان باشد». اکنون از سیل این روایات نورانی به نمی از آن بسنده می کنیم:

بهره ناتمام: پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) فرمود: «چه بسا شب زنده داری که بهره اش از شبْ زنده داری فقط ایستادن (و شب بیداری) است و چه بسا روزه داری که بهره اش از روزه داری، فقط عطش و تشنگی است.»

مصونیت از عذاب: پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که در ماه رمضان روزه بگیرد و تمایلات شهوی و جنسی و همچنین زبانش را از گناه حفظ نماید و مردم از شر او در امان باشند، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را آمرزیده و او را از آتش جهنم مصون می دارد و بهشت را جایگاه او قرار داده، شفاعت او را در مورد گناهکاران از اهل توحید می پذیرد؛ حتی اگر به تعداد ریگ های بیابان باشد.».

تولدی دوباره: امام باقر(علیه السلام) فرمود: ای جابر! کسی که وارد ماه رمضان شود و روزهایش را روزه و شبهایش را به دعا و نیایش سپری کند و نفس سرکش را از شهوات و زبانش را از محارم حفظ نماید و چشمش را از حرام ببندد و اذیتش را از مردم باز دارد از گناهان و معاصی خویش خارج می شود مثل روزی که از مادر متولد شده و هیچ گناهی ندارد. جابر گفت: فدایت شوم، ما احسن هذا الحدیث؟! چه سخن زیبایی فرمودید! حضرت فرمود: «ما اشد هذا من الشرط!» او چه شرایط سخت و دشواری دارد.»

پاداشی بزرگ: پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد و در آن از حرام و بهتان دوری کند خدا از او خشنود می شود و بهشت را بر او واجب می گرداند».

از آنجایی که روزه، دانشگاه انسان سازی است لذا دانشجوی این دانشگاه هم باید از تعالیم و آداب واجد آن برخوردار بوده و بر اعضا و جوارح خود تسلط داشته باشد نه این که فقط معده اش روزه دار بوده و بقیه اعضا و جوارحش مشغول پرده دری و گناه باشد.

درجات روزه

روزه به سبب درجاتی که روزه داران کسب می کنند به سه دسته تقسیم می شود: روزه عوام، روزه خواص، روزه خواص الخواص.

«روزه عوام»، روزه ای است که معده و فرج شخص در آن روز روزه بوده و فقط در بند نخوردن و نیاشامیدن است.

«روزه خواص»، روزه ای است که روزه دار تمام اعضای خود را از حرام و گناه باز می دارد و مصداق حدیث امام باقر(علیه السلام) قرار می گیرد و به اجر روزه دار واقعی نایل می شود.

«روزه خواص الخواص» روزه ای است که علاوه بر امساک همه جوارح بدن، شخص روزه دار از دل خویش هم در اشغال به مسائل مادی و اخلاق رذیله و حتی فکر گناه محافظت می کند که افطار این روز غفلت از یاد خدا است. در واقع همیشه مشغول ذکر خدا هستند و به مضمون آیه شریفه (قل اللّه ثمّ ذرهم) نایل می گردند.

افطار روزه عوام هنگام اذان مغرب، افطار روزه خواص هنگام مرگ و افطار روزه خواص الخواص هنگام جای گرفتن در رضوان و قرب خداست.

روزه داری در سیره معصومان (علیهم السلام)

سیره معصومان بارزترین و برترین الگوی رفتاری است. در اینجا به بیان برخی نکات ویژه در باب روزه داری معصومان می پردازیم.

میدان مسابقه

گاه برخی افراد از کنه ویژگی یک واقعیت غافل مانده و مشغول به ظواهر می شوند. امام حسن مجتبی(علیه السلام) در روز عید فطری از کنار جماعتی گذشت که مشغول شوخی و خنده بودند. حضرت ناراحت شد و به آن ها فرمود: «خدا ماه رمضان را میدان مسابقه بندگان خود قرار داده است. تعدادی گوی سبقت را می ربایند و پیروز می شوند و تعدادی از قافله عقب می مانند و رو سیاه می گردند. عجب است در روزی که پیشی گیرندگان، پیروز شده اند و عقب ماندگان زیانکار گردیده اند، جمعی به شوخی و خنده مشغولند. به خدا قسم اگر پرده بر افتد، امروز نیکوکار مشغول قسمت خود و عقب افتاده گرفتار بدیهای خود است و احدی فرصت شوخی و لهو و لعب را ندارد».

نیکوترین عمل

توصیه های معصومان در هر بابی نشانگر حساسیت و اهمیت موضوع است و گاه که بر موضوعی پافشاری می کنند اهمیت آن بیشتر فهمیده می شود. ابی امامة - از صحابه پیغمبر خدا(صلی الله علیه و آله) - می گوید: خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بودم. از ایشان درخواست کردم مرا به عملی شایسته راهنمایی کند. فرمود: بر تو باد روزه؛ زیرا که روزه جایگزینی ندارد و ثوابش هم از حدّ و اندازه خارج است. عرض کردم: یا رسول اللّه ! مرا به عملی شایسته رهنمون شوید، فرمود: بر تو باد روزه، زیرا روزه گرفتن از نظر ثواب و فضیلت، مشابهی ندارد. برای بار سوم عرض کردم: ای رسول خدا! مرا به عملی نیکو راهنمایی کنید، فرمود: بر تو باد روزه، زیرا روزه هیچ مثل و مانندی ندارد».

افطار در مسجد

حضرت امیر مؤمنان(علیه السلام) هنگامی که زمامدار مسلمین بود، روزی در مسجد کوفه به روز و اعتکاف به سر می برد که مردی بیابان نشین وارد مسجد شد. نزدیک افطار بود و مرد اعرابی گرسنه اش بود. دید در گوشه ای از مسجد پیرمردی مشغول افطار است. آمد تا با او هم سفره شود. دید در سفره اش فقط شیشه ای قاووت (آرد جو) وجود دارد. پیرمرد به او تعارف کرد اما مرد اعرابی هر چه کرد نتوانست از آن بخورد. بلند شد و از مسجد بیرون رفت.

در کوچه ها می گشت و منظتر بود تا دری باز شود و او را بر سر سفره ای بخوانند تا این که به در خانه حضرت علی(علیه السلام) رسید. از اهل خانه غذایی درخواست کرد. حسنین علیهماالسلام او را داخل برده و غذای خوبی به او دادند. وقتی که مرد سیر شد یاد پیرمرد داخل مسجد افتاد و آنچه بر سر سفره او دیده بود برای آن ها باز گفت و عرضه داشت اگر ممکن است مقداری از این غذا را برای آن پیرمرد ببرد. در این حال حسنین علیهماالسلام به گریه افتادند که آن پیرمرد که تو دیدی پدر ما علی(علیه السلام) است.

روزه داری در سیره علماء

عالمان دین و بزرگان اخلاق در مقام هدایت مردم از جایگاه ویژه ای برخوردارند و بررسی زندگانی آنان فرصتی مناسب برای بهره گیری اخلاقی به دست می دهد.

امام خمینی«ره»

«ایشان هر روز ده جزء از قرآن را در ماه رمضان می خواندند؛ یعنی هر سه روز یک دوره قرآن می خواندند. برادران خوشحال بودند که دو دوره قرآن خوانده اند ولی بعد می فهمیدند که امام ده یا یازده دوره قرآن خوانده اند و فکر می کنم که حالا هم ایشان این برنامه را داشته باشند. فرزند امام می گفت: شبی در ماه رمضان من پشت بام خوابیده بودم. خانه ایشان یک خانه کوچک 45 متری بود. بلند شدم دیدم که صدا می آید و متوجه شدم که آقاست که در تاریکی در حال نماز خواندن است و دستهایش را به طرف آسمان دراز کرده و گریه می کند. برنامه عبادی ایشان این بود که در ماه رمضان، شب تا صبح نماز و دعا می خواندند و بعد از نماز صبح و مقداری استراحت، صبح زود برای کارهایشان آماده بودند».

علامه طباطبایی«ره»

«علامه در مراتب عرفان و سیر و سلوک معنوی مراحلی را پیموده بود. اهل ذکر و دعا و مناجات بود... شبهای ماه رمضان تا صبح بیدار بود، مقداری مطالعه می کرد و بقیه را به دعا و قرائت و نماز و اذکار مشغول بود».

میرزا محمد جعفر انصاری«ره»

این عالم جلیل القدر از بستگان مرحوم «شیخ انصاری» از مراجع نامدار خوزستان و حافظ قرآن مجید بوده است. درباره وی نوشته اند: «او با آن همه مشاغل درسی، عبادات موظفه خود را که از سن بلوغ مشغول بود ترک ننمود. او گذشته از نوافل شبانه روزی و قرائت یک جزء کلام اللّه و نماز حضرت جعفر طیار، هر روز زیارت جامعه و عاشورا را در یک جلسه، ایستاده به جا می آورد و هنگام عبادت توجه خاصی داشت. حافظه اش بسیار عجیب بود، قرآن مجید و تعقیبات و نمازها و دعاهای هر ماه، هرروز و هر شب ماه مبارک رمضان و... را از حفظ داشت».

واپسین سخن

در روایت امام صادق(علیه السلام) آمده است که حضرت سجاد(علیه السلام) اشتباهات غلامان خود را در طول رمضان با ذکر تاریخ و مورد آن یادداشت می کردند، سپس آخر ماه رمضان، آن ها را جمع کرده و از آنها اقرار می گرفت که چنین اشتباهی از آنان سر زده است. سپس وسط آنها می ایستاد و می فرمود: آنچه را من می گویم تکرار کنید: «ای علی بن حسین! همان طوری که ما غلام و بنده تو هستیم و تو اشتباهات ما را ثبت کرده ای، خدا هم کارهای تو را ثبت کرده است. اینک ما را عفو کن و ببخش چنانچه تو امیدواری خدا از گناهان تو بگذرد. به یاد آر روزی را که با خفت و خواری در پیشگاه عدل الهی می ایستی؛ آن خدایی که به اندازه خردلی ستم روا نمی داد، همان مقدار کم را هم در قیامت به حساب می آورد؛ از ما درگذر که خدا از تو در گذرد که در قرآن آمده:(ولیعفوا ولیصفحوا الا تحبون ان یغفر اللّه لکم) «پس عفو کنید و چشم پوشی کنید آیا نمی خواهید خدا شما را ببخشد».

حضرت سخنان خود را به غلامان خود تلقین می کرد و آنان تکرار می کردند و با نوای جانسوز اشک می ریخت و می گفت: «پروردگارا! تو دستور گذشت به ما داده ای از ما نیز درگذر! خدایا! تو به عفو و گذشت از ما شایسته تری! به ما گفته ای که سائل را از در خانه خود محروم و ناامید بر مگردانید. اینک به امید بخشایش، به در خانه ات آمده ایم. از تو می خواهیم بر ما کرم فرمایی. پروردگارا! بر بنده خود منت گذار و ناامیدم مکن و مرا جزو کسانی قرار ده که از عطایای تو بهره مند گشته اند».

آن گاه به غلامان خود رو کرده، می فرمود: «من از شما گذشتم آیا شما هم مرا بخشیدید و از کوتاهی و قصوری که نسبت به شما کرده ام گذشتید؟ اگر من مالک ستمگر شما بوده ام، خود هم تحت قدرت مالکی دادگر هستم». غلامان عرض می کردند: «آقا! با این که هرگز به ما بدی نکرده اید شما را بخشیدیم». سپس حضرت می فرمود:

«بگویید: اللهم عف عن علی بن الحسین کما عفی عنا فاعتقه من النار کما اعتق رقابنا من الرق؛ بار خدایا! از علی بن الحسین بگذر، چنانچه او از ما گذشت و او را از آتش جهنم آزاد کن همان طوری که ما را از بندگی خود آزاد کرد». سپس حضرت، خود می گریست و در آخر گفتار آن ها آمین می گفت و می فرمود: «شما را آزاد کردم به امید این که خداوند هم مرا ببخشد» و آن ها را آزاد می ساخت و هر ساله حدود بیست نفر از آنان را در عید فطر آزاد می فرمود.

پی نوشتها:

1. سوره بقره (2) آیه 183.

2. سوره بقره (2) آیه 185.

3. محمدباقرمجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، 1404 ق، ج96، ص367.

4. همان.

5. محمد ابن یعقوب الکلینی، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، 1365 ش، ج4، ص87؛ شیخ طوسی، التهذیب، تهران دارالکتب الاسلامیة، 1365 ش، ج4، ص194.

6. بحارالانوار، ج96، ص374.

7. محمد بن الحسن الحرّ العاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار الطباعة والنشر، 1403 ق، ج4، ص174.

8.الشیخ الطوسی، الامالی، قم، انتشارات اسلامی، 1408 ق، ج2، ص136.

9. بحارالانوار، ج93، ص346.

10. سوره انعام (6) آیه 91.

11. ظاهرا از پایان ماه رمضان اظهار شادمانی می کردند.

12. من لا یحضره الفقیه، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا، ج2، ص174.

13. بحارالانوار، ج36، ص104.

14. سلیمان القندوزی الحنفی، ینابیع المودة، قم، مکتبة بصیرتی، بی تا، ص174.

15. فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی، ص19.

16. یادنامه علامه طباطبائی، ص 131.

17. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص382.

18. سوره نور (24) آیه 22.

19. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دار الاضواء، 1402 ق، ج4، ص158.